

خاکستر نشینی عاقبت قمار بازی

صحبت های ۲ نفر که زندگی شان را در قمار از دست دادند، همراه با تحلیل روان شناسی و جامعه شناسی اعتیاد به این رفتار

مار به پاک نهاد | خبرنگار



«سارا» که چند سال پیش از شوهرش جدا شده و تنها دلیل طلاق شان، علاقه ز یاد او به قمار و شرط بندی بوده است، این روزها به ته خطر سیده و تقریبا همه زندگی اش را از دست داده است. تا این جای ماجرا برای من عجیب نبود چون بارها و به خصوص در صفحات حوادث روزنامه ها، عاقبت قمار بازها را خوانده بودم اما وقتی شنیدم که بعد از این اتفاقات تلخ باز هم اقدام به شرط بندی می کند، برق از سرم پرید! قبل از تصمیم به صحبت با او کمی درباره قمار تحقیق کردم و متوجه شدم که قمار به خطر انداختن یک چیز با ارزش (معمولا پول) در فعالیت یا رویدادی است که عاقبت آن معلوم نیست و به نوعی بار یسک زیادی همراه است. در ضمن متوجه شدم که به شدت اعتیادآور است. در همین احوال، متوجه داستان زندگی پیرمردی شدم که قمار باعث اخراجش از محل کار شده و به قول خودش، همه دارایی اش در آتش قمار سوخته است و این روزها، آرزوی مرگ می کند. در پرونده امروز زندگی سلام، صحبت های دو قمار باز را خواهید خواند و یک روان شناس و جامعه شناس به بررسی آسیب ها و دلایل اعتیاد به آن پرداخته اند.

دختری که از ۱۲ سالگی قمار باز شد

«سارا» که به تنها زن قمار باز محله شان معروف است، از زندگی اش می گوید که به خاطر اعتیاد به قمار تنباه شده است

سازان منطقه ۳۲ ساله ای است که در یکی از محله های حاشیه شهر زندگی می کندو تقریبا بیشتر افراد منطقه او را به خوبی می شناسندو مردها به گونه خاصی از او اسم می برندو تعریف می کنند. به قول «امیر» که یکی از فروشنده های این محله است، سارا همه مردهای منطقه را حریف است! او تنها زنی است که در این منطقه منفصل شهری با مردها قمار بازی می کند و بیشتر اوقات، شرط را از آن ها می برد؛ همین باعث شده است او را با نگاه تحسین ببینند و به او لقب تنها زن قمار باز همیشه برنده محله را بدهند! هر چند به ظاهر این روزها اصلا اوضاعش خوب نیست و می گفتند که راضی به صحبت نمی شود! اما بدون اطلاع قبلی، یک روز به محلی رفتم که او و چند نفر دیگر برای شرط بندی روی مسابقات فوتبال دور هم جمع می شوند تا به عنوان کسی که می خواهد شرط ببندد اعتمادش را برای صحبت جلب کند.

● **شرط بندی روی شرط بندی!**

می گوید که تیم «...» تیم شانس او است که تا به حال سه بار روی او شرط را برده است. امروز اما شرط او ۵۰ میلیون تومان است، تنها دارایی سارا که بخشی از آن را از بنگاه دار سر کوچه قرض گرفته و قول داده است دو برابرش را به او پایا تا این شب باز گرداند. خیالش انگار راحت است و با آرامش خاصی بازی را نگاه می کندو چای اش را می خورد. مردی در چند صندلی آن طرف تر نشسته است که مدام به سارا و بعد به مستطیل سبز نگاه می کند. سمت او می روم و دلیل آن همه استرسی را می پرسم که می گوید کاش تیم سارا بازی را ببرد! نگاه متعجب مرا می بیند که می گوید: «من روی برد سارا، ۷۰۰ هزار تومان شرط بسته ام!»

● **منزل مان محل جمع شدن قمار بازها بود**

سارا شش سال است از همسر خود جدا شده و فرزندش از سه سالگی نزد پدرش است. او ۱۴ سالگی از دواج کرده به همین دلیل نتوانسته است دیپلم اش را بگیرد. از نحوه ورودش به جمع قمار بازمی گوید: «او لین بار در منزل پدری با قمار آشنا شدم. پدرم و بعدها نیز برادر اتم تقریبا هر هفته در جمع قمار بازها حاضر بودند. از همان کودکی با انواع قمار و بیشتر قمار بازهای این شهر آشنایی داشتم چون پدرم به دلیل کپولت سن دیگر نمی توانست بازی کند اما تلکه گیری می کرد. تلکه گیر کسی است که بازی ها و افرا در انظار تیمی کند و معمولا شرط بندی در منزل او انجام می شود. اوبی طرف است و از هر کسی که بازی را برده، در صد خودش را می گیرد. مادرم به دلیل همین کارهای پدرم و برادرهایم سال ها قبل دست به خود کشی زد. هنوز ۱۲ سالم نشده بود که فکر می کردم همه فوت و فن های قمار را از جمع دوستان پدرم یاد گرفته ام به همین دلیل از پدرم خواستم به من هم اجازه بازی بدهد. اوایل به شدت مخالفت می کرد، نه این که نمی خواست قمار باز باشم، بلکه فکر می کرد او را جلوی دوستانش سر افکندد خواهم کرد! در کمال ناباوری، او لین و دومین بازی را بردم. همان شب سه

۳ بار سر پول هایی که باختم،

سکته کردم

پیرمرد ۵۷ ساله که قمار زندگی اش را تباه کرده، می گوید: اولین بار که بازی را بری، دیگر تمام است چون طعم پول مفت زیر دندان می ماند

«صابر» ۵۷ ساله، متاهل، از کارمندان اخراجی شهر داری است. می گوید که به دلیل بدهی اخراج شده است و الان دکه کوچکی در یکی از محله های پایین شهر کرایه کرده است و سیگار می فروشد. همه او را عمو صدا می زنند و کمتر کسی هست که در این محله از گذشته او باخبر باشد. به تابلوی دست نویس جلوی بساطش اشاره می کنم: «انگار با اعتیاد بچه ها زیاد موافق نیستی؟ پس چه شد که زندگی ات را به پای اعتیاد به قمار گذاشتی؟!». بعد از این که مطمئن می شود تنها هستم و یکی از دوستان قدیمی اش معرفی ام کرده است، می گوید: «بدی این اعتیاد آن جاست که فکر می کنی هنوز معتاد نشده ای و هر وقت که بخوای می توانی از آن دست بکنی». اولین بار که بازی را بری، دیگر تمام است. طعم پول مفت زیر دندان می ماند! همیشه از کودکی به خود رو مسابقات الرالی علاقه داشتم، به همین دلیل وقتی در ۳۰ سالگی پیشنهاد دیدن مسابقات آف رود به من داده شد، نتوانستم مقاومت کنم. می دانستم این بازی ها غیر قانونی است و فقط برای شرط بندی برگزار می شود. اولین برد کافی بود تا طعم تلخ پول حرام به دهنم مزه و مر ایشتر و سوسه کند. آدم بی دین و مذهبی نبودم اما اشتباه پشت اشتباه، نا بودم کردو با گذشت زمان، شرط بندی هایم بیشتر و بزرگ تر می شد. روی حیوانات، مسابقات ورزشی، ماشین، شطرنج و...»

● **ما به ننگ پسر، دختر و همسرم شدم**

در حالی که محو سپیدی موهای این پیرمرد شده ام، با گفتن این جمله که حواست هست دخترم؟ تلنگری به من می زند و حرف هایش را ادامه می دهد: «من بارها خواستم این کار اترک کنم اما نتوانستم. همه جوانی و زندگی خود و خانواده ام را پای قمار باختم. به دلیل مراجعه هر روزه طلبکارها به محل کارم، کارم را از دست دادم. پسر بزرگ ترم بعد از این که به دانشگاه رفت، دیگر دلش نمی خواست من پدرش باشم و می گفت برایش ننگ آور است که دیگران بداندند پدر آقای مهندس، قمار باز است. برای همین دیگر به این شهر باز نگشت اما خبر داشتم گاهی با مادر و خواهرش تلفنی صحبت می کند. سه بار سر پول هایی که باختم، سکته قلبی کردم. بزرگترین سکتهم زمانی بود که خانم ام، تنها سرپناه خودو خانواده ام را در قمار باختم. شش ماه استراحت مطلق داشتم و بعد از آن، برای هزارمین بار تصمیم گرفتم قمار را کنار بگذارم. اما مگر می شد؟ هر روز و سوسه می شدم و پیشنهاد جدیدی می شنیدم. من یک همسر و پدر منفور هستم. دخترم را بعد از از دواجش دیگر ندیدم. همسرم می گفت؛ دامادمان اجازه نمی دهد به منزل ما بیاید. می دانی؟ دختر، تنها امید پدرش است. دخترم که رفت، امید و برکت از زندگی من هم رفت. همسرم مرا ترک کرد و هر چه داشتم از دست دادم. بیشتر از پنج سال است که ارتباطم را با دوستان قمار بازم قطع و این دکه را از فرد خیری به مبلغ ناچیزی اجاره کرده ام.»

● **منتظر مرگ هستم**

اشک گوشه چشمانش را پاک کرد و به دور دست خیره شد. انگار در فکرش تمام روزهای رفته را می دید یا شاید دخترش را می دید که از دور برای رسیدن به آغوش پدر دست هایش را گشوده و قدم هایش را اندر تر کرده است. بعد یکپو هر به من کرد و گفت که اگر می شود این حرف آخرش هم خطاب به قمار بازها چاپ شود: «همه جوانی افکر می کردم این من هستم که زندگی را به بازی گرفته ام ابرعکس بود. این و سوسه و هوس بود که من و زندگی ام را به بازی گرفته بود. الان که باید از دوران باز نشستگی لذت ببرم، این جا پشت بساط سیگار فروشی نشسته ام و منتظر مرگ هستم. همین...».

پاداش رفتار، ترک قمار را خیلی سخت می کند

دلایل ارتکاب به قمار با وجود آگاهی از پیامدهای منفی آن از منظر روان شناختی قابل بررسی است

دکتر هادی نقدی | مشاور خانواده و روان درمانگر

داستایوفسکی در اثر نسبتا مشهور خود به نام «قمار باز» به خوبی توصیف واضحی از پویه های درون روانی افرادی را که درگیر قمار بازی هستند ارائه داده است. او در این اثر قهرمان داستان را در حالی به تصویری می کشد که در تمام طول داستان هیجان های مثبت و منفی ناشی از برد و باخت را تجزیه و تحلیل می کند و این هیجان ها را به نمایش می گذارد. شرط بندی و قمار بازی یکی از سرگرمی های انسان ها در طول تاریخ بوده است و همانند مصرف مواد، پیامدهای آن پیش روی افراد قرار دارد. حالا پرسش این است که اساسا با وجود آگاهی به پیامدهای منفی یک رفتار، چرا انسان مرتکب آن فعل رفتاری می شود؟ از نظر روان شناختی، فرد قمار باز فاقد یک «من» یکپارچه و قدرتمند است. نهاد قدرتمندی دارد که تکانه های آن توسط «من» قابل کنترل نیست. وقتی که من، فاقد اقتدار باشد، فرد واقع بینی را از دست می دهد در نتیجه هنگام بروز تکانه های نهاد، من نمی تواند تعدیل و کنترل کند!

● **پیامدهای منفی که باز دارندگی ندارد!**

از نگاه رفتار گرایان، پاداش رفتار قمار بازی آن چنان قدرتمند است که پیامدهای منفی (از دست دادن مبلغ یا

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۶ آذر ۱۳۹۸
۲۹ ربیع الاول ۱۴۴۱
۲۷ نوامبر ۲۰۱۹
شماره ۲۰۲۵۲

۱۴۷۳

آیا قانون طلبایی سلامت

ستون مهره ها را می دانید؟

برای سلامت دستگاه اسکلتی همیشه باید یک قانون طلایی را در نظر داشته باشید که همه جار عایت کنبد

۲

خوردن خرما در زمان بارداری باعث

زایمان راحت می شود؟

در ستون «بانوان» می خوانید

۲

چرا بی چشمگین شدن به روایت

«جوکر»!

فیلمی که در کمتر از ۲ ساعت مارا با بسیاری از نظریات روان شناسی در حوزه خشونت و آسیب های مدیریت نکردن آن آشنا می کند

۳



موضوع شرط نمی تواند نقش بازدارندگی ایفا کند. چنین افرادی همانند افرادی که دچار سوء مصرف مواد هستند و در شرایط خاص نمی توانند رفتار مصرف خود را کنترل کنند، آن ها هم نمی توانند از شرط بندی یا قمار صرف نظر کنند. واقعیت این است که چنین افرادی از نظر عصب شناختی هم هنگام قرار گرفتن در شرایط شرط بندی چنان برانگیخته می شوند که هورمون های لذت همانند سروتونین و دوپامین به عنوان نوروترانسمیترهای شادی آور در آن ها فعال می شود

و آن ها را برای بازی تحت فشار قرار می دهد.

● **نحوه در مان چنین افرادی**

برای در مان چنین افرادی که گاهی تمام زندگی خویش را در یک قمار از دست می دهند همانند یک فرد معتاد نیازمند حمایت اجتماعی و همراهی یک راهنما هستیم که فرد را از چنین موقعیت هایی (شرط بندی یا همان قمار) دور کند. در کنار این مسئله، فرد، نیازمند یک زندگی هیجانی است که معمولا چنین افرادی تمام نیاز هیجانی خود را در بازی های شرط بندی جست و جوی می کنند. از این رو بهتر است آن ها را درگیر بازی های هیجانی دیگری کرد که بتوانند هیجان های لذت و در را با هم دریافت و از شرط بندی پرهیز کنند.

در پی دستیابی به گنجی بدون کشیدن رنج!

یادداشت شفاهی یک جامعه شناس از دلایل تمایل به شرط بندی و یک شبه پولدار شدن

خالد توکلی | جامعه شناس

قبل از هر چیز باید گفت در تمامی جوامع به گونه های مختلف، شرط بندی و به طور همزمان، ارزش های مخالف آن وجود دارد. رواج شرط بندی که نوعی قمار به شمار می رود، علل گوناگون روانی و اجتماعی دارد. یکی از علل رواج شرط بندی در جامعه آن است که نگرش مردم به کار و راهای رسیدن به ثروت دچار دگرگونی شده است. اگر چه کار در فرهنگ سنتی ما جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و همواره تأکید شده است که «نابرده رنج، گنج میسر نمی شود» اما در یک سده اخیر، تحولات فرهنگی به گونه ای رقم خورده است که بخش عمده ای از مردم به دنبال دستیابی به گنجی هستند که برای آن رنجی را متحمل نشوند. تضاد طبقاتی و ظهور نوکیسه هانیز می تواند یکی دیگر از علل رواج شرط بندی باشد. نوکیسه ها از نظر جامعه شناختی تمایل فراوانی به خودنمایی دارند و در جامعه به گونه ای ظاهر می شوند و چنان در خیابان و بازار جولان می دهند که مورد توجه عامه مردم قرار گیرند. این امر موجب می شود تا به تدریج، ارزش ها، رفتارها و خواسته های آنان رواج یابد و برای بخشی از جامعه – به ویژه جوانان – مهم تلقی کند و به گروه مرجع



تبدیل شوند. در این وضعیت، یکی از راه های رسیدن به ثروت و سرمایه مادی کلان که در مدت کوتاهی امکان پذیر باشد، شرکت در شرط بندی است که شاید فرد را در مدتی کوتاه به ثروتی کلان و هنگفت برساند. دستیابی به مزاربای اجتماعی بالاخص سرمایه مادی تابع قوانین و قواعد خاص خوداست و فرد به سادگی به آن هادسترسی نمی یابد. ناپایداری و بی ثباتی در اقتصاد و بحران های مستمری که در بازار و نظام اقتصادی به وجود می آید، موجب شده است تا عده ای در سایه این بحران ها، بدون پیروی از قاعده خاص و آشفته بازاری که شکل می گیرد، به امکانات و ثروت های کلانی دست یابند. این موضوع زمینه را برای «شانسی شدن» جامعه مهیا می کند و شانسی شدن هم موجب رونق و توجه به شرط بندی به عنوان راهی به سوی دسترسی به ثروت کلان می شود. شرط بندی که نوعی قمار به شمار می رود با استفاده از تبلیغات و توجه به ویژگی ذاتی قمار که همیشه هوس قمار دیگر را در ف نهادینه می سازد، فرد را چنان درگیر می کند که بر اثر این هوس و در بسیاری از موارد برای جبران ناکامی و شکست هایش تا آخر به شرط بندی ادامه دهد و در ریسک و شکستگی را به جان بخرد. در واقع به همین دلیل است که بسیاری از قماربازان، در نهایت ورشکسته و نابودی می شوند و هر آن چه را که دارند از دست می دهند.